

فرهنگ جهانی و حقوق شهروندی

بررسی نگرش شهروندان نسبت به ابعاد فرهنگ جهانی

پری مسلمی پور لالمی، دکترای جامعه‌شناسی

دکتر افسانه ادیسی، دانشیار تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

شهروندی، بین‌الذهانی شدن چارچوب ارتباطات فراملی، باز تولید و تغییر مفهوم حقوق شهروندی در بسترهای مناسبات خرد سیاسی نه در چارچوب سیاسی کلان، رادیکال شدن شهروندی در بستر منطقه‌ای و جهانی شدن، و... را دربر داشته باشد. بنابراین، مطالعه نگرش شهروندان نسبت به ابعاد فرهنگ جهانی و تأثیر آن بر آگاهی از حقوق شهروندی دارای ضرورت و اهمیت علمی است. این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که نگرش شهروندان نسبت به ابعاد فرهنگ جهانی چه تأثیری بر آگاهی از حقوق شهروندی (شهروندان تهرانی) دارد.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، فرهنگ جهانی، ابعاد فرهنگ جهانی، شهروندان تهرانی

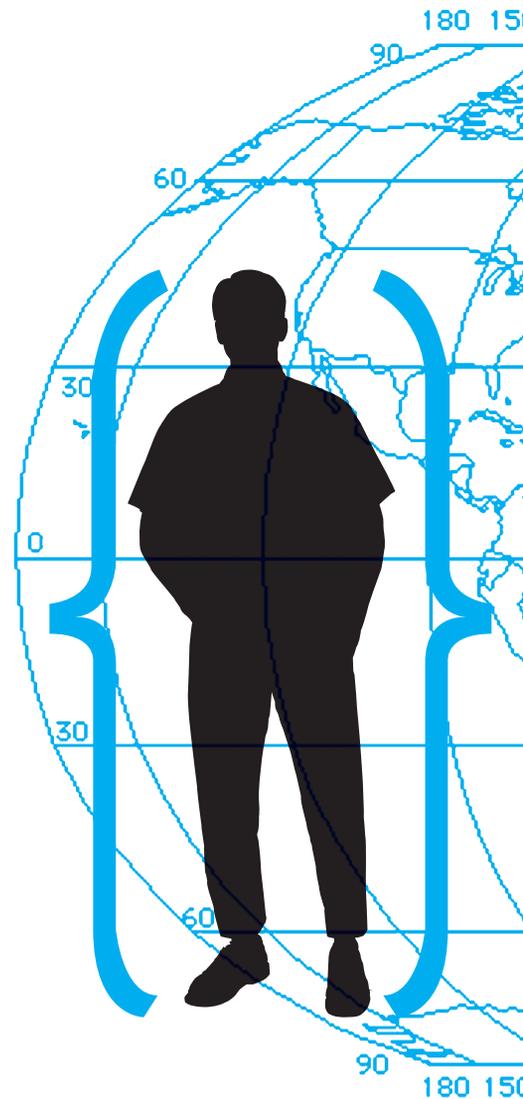
(Janoski: 1998) او حقوق شهروندی را به چهار قسم سیاسی، اجتماعی، قانونی و مشارکت (عقیدتی) طبقه‌بندی می‌کند. در جامعه ایران، بعد از اجرای چند دوره برنامه توسعه و افزایش شکاف طبقاتی و پیامدهای ناخواسته و منفی توزیع نابرابر منابع، موضوع حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفت. برنامه‌ریزان، سیاستمداران و نخبگان اجتماعی با طرح حقوق شهروندی در گفتمان‌های عمومی، کوشیدند شهروندان را از حقوقشان آگاه کنند و نیز آنان را به مشارکت در تحقق این حقوق برانگیزند.

امروزه برداشت جدید و همگانی‌تری از شهروندی ظهور کرده است که بیشتر بر پایه علائق جهانی شخص است تا تعلقات ملی. برداشت‌هایی از این دست می‌تواند مسائل و مشکلاتی چون فردی شدن

مقدمه

«شهروندی»ی منزلتی است برای یک فرد در ارتباط با دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق و تکالیف وی در برابر دولت «ابطه شهروندی» گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. اساساً کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گزار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی خود نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند. (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۲۲)

از نظر جانوسکی نیز «شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت - ملت با حقوق و مسئولیت‌های عام‌گرایانه معین در سطح ویژه‌ای از برابری است.»



چارچوب نظری

به اعتقاد رابرتسون، جهانی شدن به فشرده‌گی جهان و تشدید آگاهی از جهان به‌عنوان یک کل معطوف است. از دیدگاه او، نظریه جهانی شدن نه فقط درباره ساختارها، نهادها و شبکه‌هاست، بلکه درباره نحوه درک ما از زندگی اجتماعی و جایگاه ما در آن زندگی نیز هست. بنابراین، نمود فرهنگی جهانی شدن یا نحوه درک مردم از جهان چنان مکانی واحد را محور کار خود قرار می‌دهد. وی جهانی شدن را تبدیل مرجع‌های فردی به مرجع‌های کلی و فراملی می‌داند. (کل محمدی، ۱۳۸۲: ۲۱)

رابرتسون جهان بودگی را به معنای «آگاهی از مسائل جهان به‌عنوان یک مکان واحد» تعریف می‌کند و اشاره دارد که همواره بیشتر از پیش در اطراف و اکناف

جهان درگیر این موضوع خواهند شد و جهان بودگی وارد زندگی آن‌ها خواهد شد. او در این مطلب تردیدی به خود راه نمی‌دهد که فرهنگ جهانی در حال تکوین است و در این مورد فرهنگ را در جرگه «هنجارهای الزام‌آور» بر نمی‌شمارد بلکه آن را شامل نوعی «گفتمان عمومی» در گفت‌وگو با جهان به‌عنوان یک کل واحد می‌داند. (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۸۱-۲۷۵)

همچنین، ارتباطات در شرایط جهانی شدن باعث شده است که معنای زمان و مکان تغییر کند و زمانی و مکانی بین جوامع و فرهنگ‌ها برداشته شود. در نتیجه، جهان به سوی نوعی همسانی و یکپارچگی در عین تنوع و گوناگونی پیش می‌رود. رابرتسون به نوعی ایده «جهان-محلی شدن» دامن زده است که براساس آن، مصرف‌کنندگان کالای تولیدشده یک شرکت فراملیتی از حیث تمدن، منطقه، جامعه، قومیت، جنسیت و غیره از هم تفکیک می‌شوند. به بیان جامع‌تر، جهان-محلی شدن تا حد زیادی مستلزم ساختن مصرف‌کنندگان هرچه بیشتر تفکیک شده و ابداع انواع سنت‌های مصرف است. (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۲۱۷)

گیدنز با طرح «نظریه ساختاری» استدلال می‌کند، عوامل و ساختارهای پدیده‌ها از هم جدا نیستند. بحث جهانی شدن نیز تنها درباره ساختارها نیست، بلکه در ارتباط با مباحث دموکراسی و شهروندی، پیوند سطوح خرد و کلان را نشان می‌دهد. شهروندی دربردارنده حقوق و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی است؛ ایده‌ای که اعتبار فرد را به رسمیت می‌شناسد و هم به شرایط اجتماعی که فرد در آن رفتار می‌کند، بازمی‌گردد. از این‌رو، شهروند یک نمونه عالی از آن چیزی است که آنتونی گیدنز آن را «دوگانگی ساختاری» نامیده است. وی با تعریف جهانی شدن به‌عنوان استحاله نهادهای اساسی به آن پرداخته است.

به زعم وی، سیاست اجتماعی باید با فراهم آوردن شبکه‌ای از حقوق و مسئولیت‌ها میان اعضای خانواده، شهروندی خصوصی را تحکیم بخشد. از این طریق با به‌کارگیری

ایده شهروندی برای روابط شخصی می‌توان مسائلی را در زمینه نقش خشونت در کل زندگی اجتماعی مطرح کرد. در حقیقت، گیدنز میان روابط شخصی و زندگی عمومی در چارچوب حقوق و مسئولیت‌ها رابطه برقرار می‌کند. به نظر وی، افرادی که درک خوبی از ساخت احساسی خود دارند و به‌خوبی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، احتمالاً برای وظایف گسترده شهروندی نیز آمادگی بیشتر دارند. مهارت‌های ارتباطی زندگی خصوصی می‌تواند به‌خوبی به زمینه‌های وسیع‌تر تعمیم داده شود. بنابراین، دموکراتیک شدن نهادها مختلف با دموکراتیک شدن کل جامعه و جهان در ارتباط است. (صادقی، ۱۳۸۷: ۸۷)

شکل‌گیری فرهنگ جهانی یکی از پیامدهای جهانی شدن است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. **هینس** (۲۰۰۰) عقیده دارد، که فرهنگ جهانی را می‌توان در قالب پنج منظر ارزشی جهانی، مصرفی، هویتی، مجازی، دینی در نظر گرفت. او در منظر ارزشی جهانی، اشاعه برخی انگاره‌ها و ارزش‌های جهانی‌ساز عصر روشنگری، همچون حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و سکولاریسم را مدنظر قرار می‌دهد. در منظر مصرفی، انواع الگوهای مصرفی مشترک برخاسته از نظام سرمایه‌داری غرب در سطح جهانی گسترش می‌یابد. در منظر هویتی نیز شناور شدن معنا و سیاسی شدن هویت مدنظر است. هینس در منظر مجازی به این نکته اشاره دارد که در سایه گسترش انواع رسانه‌های الکترونیکی و ارتباطی و استفاده افراد از انواع ابزارهای الکترونیکی نظیر اینترنت و رایانه، الگوهای رفتاری مشابهی در سطح جهانی بسط و گسترش یافته است. همچنین، به زعم هینس، بعد دینی فرهنگ جهانی، یعنی اینکه در سایه فرایند جهانی شدن، اندیشه‌ها و الگوها و گروه‌های مذهبی نیز توانسته‌اند با بهره‌گیری از مهم‌ترین نیروهای این فرایند، همچون نظام ارتباطی، به بازنامایی خود و تقویت جایگاه خود در دنیای جهانی شده بپردازند. (هینس، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۲)

به زعم **کاستلز**، افراد در جریان جهانی

معناداری وجود دارد. فرضیه ۲. به نظر می‌رسد که از حیث آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، بین گونه‌های مختلف نگرش به فرهنگ جهانی تفاوت معناداری وجود دارد. فرضیه ۳. به نظر می‌رسد که نگرش به فرهنگ جهانی بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی تأثیر دارد.

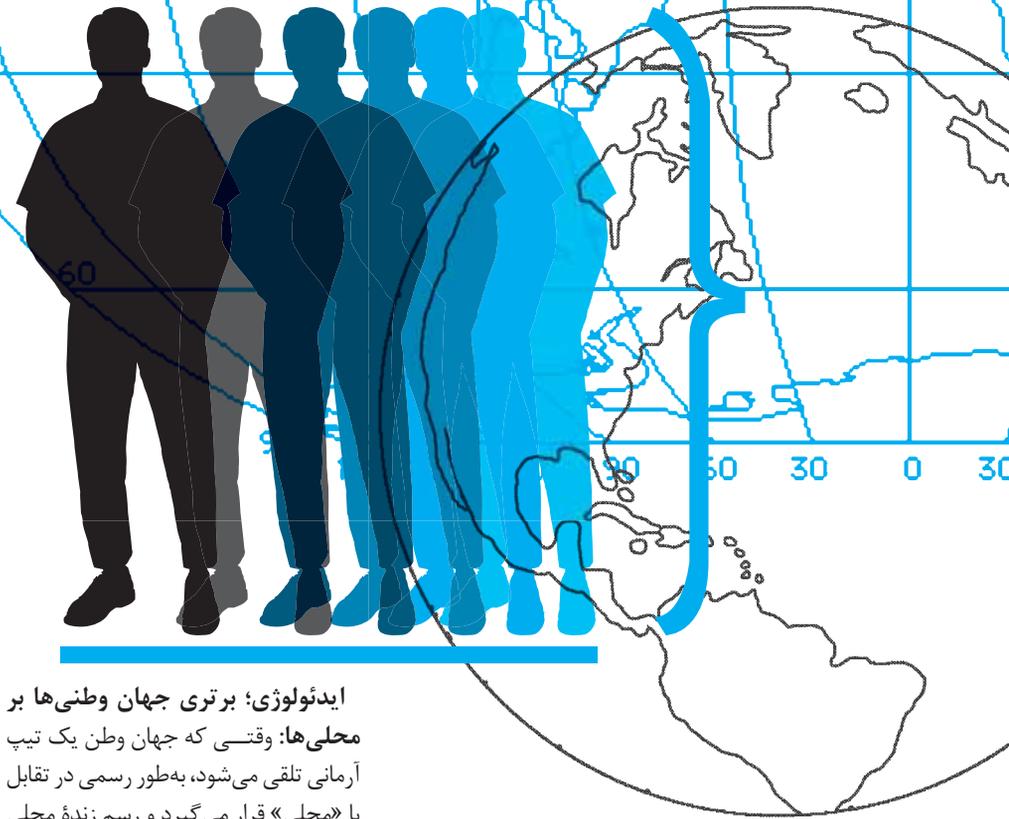
روش‌شناسی

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمامی شهروندان ۲۰ تا ۵۰ ساله که در سال ۱۳۹۰ ساکن شهر تهران بوده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسش‌نامه است.

انتخاب نمونه با تلفیق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی نامتناسب صورت گرفت. به این منظور شهر را به سه بخش شمال، جنوب و مرکز شهر تقسیم و از هر بخش منطقه‌ای را به‌طور تصادفی انتخاب کردیم (منطقه ۱۹ نماینده جنوب تهران، منطقه ۷ نماینده مرکز شهر و منطقه ۱ نماینده شمال شهر تهران) و پس از دریافت نقشه منطقه منتخب، چند بلوک به‌طور تصادفی انتخاب و طبق تجربیات و تحقیقات پیشین، از هر بلوک ۱۰ نفر برگزیده شدند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته «حقوق شهروندی»: عضویت «شهروندی» منزلتی است برای یک فرد در ارتباط با دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق و تکالیف وی در برابر دولت «رابطه شهروندی» گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. اساساً کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گزار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی خود نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین دولتی تعیین می‌کند. (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۲۲)

تعریف نظری و عملیاتی متغیر مستقل فرهنگ جهانی: «فرهنگ جهانی فرهنگ واحدی است که تمام افراد روی زمین را دربرمی‌گیرد و جانشین تنوع نظام‌های فرهنگی می‌شود.» (تاملینسون،



ایدئولوژی؛ برتری جهان وطنی‌ها بر محلی‌ها: وقتی که جهان وطن یک تیپ آرمانی تلقی می‌شود، به‌طور رسمی در تقابل با «محلی» قرار می‌گیرد و رسم زنده محلی را به‌طور ضمنی همچون چیزی تنگ‌نظرانه، جاهلانه، کوه‌بینانه، محافظه‌کارانه، بسته، ناآگاهانه، فاقد دید وسیع و نظایر این‌ها بی‌ارزش قلمداد می‌کند.

ایده‌آل؛ جهان وطنی به‌عنوان «جهانی - محلی‌گری اخلاقی»: آگاهی از اینکه جهان جایی است که از فرهنگ‌های متنوع تشکیل شده، به این معنی است که جهان وطن باید کثرت مشروع فرهنگ‌ها را بپذیرد و در برخورد با فرهنگ‌ها سعه صدر داشته باشد و این آگاهی‌ها باید خوداندیشانه باشند. نکته مهم این است که نباید این دو جزء مشرب جهان وطنی را متضاد و متعارض یکدیگر دانست بلکه باید آن‌ها را چنان اجزایی دانست که بر هم تأثیر متقابل دارند. (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۲۶۵ - ۲۵۱). واقعیت این است که در جهان کنونی هیچ کشوری عملاً نمی‌تواند خود را از سایر مردم جهان و از فرایند مناسبات جهانی منزوی سازد. انزوا نه مطلوب است و نه مقدور.

فرضیه‌ها

فرضیه ۱. به نظر می‌رسد که بین نگرش شهروندان به ابعاد فرهنگ جهانی و میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی رابطه

شدن با استفاده از رسانه‌های الکترونیکی نظیر اینترنت و...، در مقابل نظم نوین جهانی، نهضت‌هایی ایجاد می‌کنند و چند نهضت را از جمله نهضت «زاپاتیستاها» را تحلیل می‌کند که کاملاً منطبق و با استفاده از رسانه‌های الکترونیکی صورت گرفته‌اند. وی اعتقاد دارد که «جهانی شدن» و «اطلاعاتی شدن» که به دست شبکه‌های ثروت، فناوری و قدرت انجام می‌گیرند، جهان ما را دگرگون می‌سازند. این دو فرایند که توان خلاقیت فرهنگی و توانایی ارتباطی ما را تقویت می‌کنند، در عین حال، حق انتخاب را از جوامع سلب می‌سازند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۰۱ - ۹۷)

باتوجه به نظریه‌های ارائه شده سه رویکرد نسبت به فرهنگ جهانی شکل گرفته است: **ایده؛ جهان وطنی به‌عنوان یک مشرب فرهنگی:** شهروند جهانی بودن به معنی داشتن مشربی فرهنگی است که به علاقه‌های محلی بی‌واسطه محدود نمی‌شود، بلکه تعلق، دخالت و مسئولیت جهانی را به رسمیت می‌شناسد و می‌تواند این علاقه‌های گسترده‌تر را در راه و رسم‌های زندگی روزمره ادغام کند. (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۲۵۱).

۱۳۸۱:۱۰۳) فرهنگ جهانی با پنج بعد مصرفی، جهانی، هویتی، مجازی و دینی که از نظریه هینس گرفته شده، مورد سنجش قرار گرفته است.

نگرش نسبت به فرهنگ جهانی: به عقیده فریدمن و همکارانش، نگرش نظامی با دوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر عاطفی و یک عنصر تمایل به عمل می‌شود. در این تعریف، عنصر شناختی بر اطلاعات، واقعیات و دانستنی‌ها دلالت دارد، عنصر احساسی نیز همان هیجان خوشایند یا ناخوشایندی است که در رابطه با متعلق نگرش به ما دست می‌دهد، و عنصر رفتاری نیز گرایش و آمادگی برای عمل در رابطه با متعلق نگرش است. همچنین سه نگرش نسبت به فرهنگ جهانی پدید آمده است که عبارتند از: نگرش مثبت (تسلیم محض)، نگرش مخالف و نگرش فعال. (تاملینسون، ۱۹۹۹؛ گل محمدی، ۱۳۸۱؛ گیدنز، ۱۹۹۴؛ هال، ۱۹۹۶ به نقل از: ادریسی، ۱۳۸۶).

در این تحقیق برای سنجش اعتبار از «اعتبار محتوایی» استفاده شده است. نتایج آزمون آلفای کرونباخ گویای این مطلب بود که پرسش‌نامه سنجش متغیر وابسته «حقوق شهروندی» و متغیر مستقل «فرهنگ جهانی» از روایی مطلوبی برخوردار است و میزان آلفای متغیر حقوق شهروندی ۰/۷۴ و آلفای متغیر نگرش به فرهنگ جهانی ۰/۷۴ بود که در مجموع آلفای متغیرها در علوم انسانی مقدار مناسبی است.

یافته‌ها

تفسیر: میانگین آگاهی از حقوق شهروندی پاسخ‌گویان ۹۷/۷۱ و میانگین آن ۹۸ است؛ یعنی، نیمی از پاسخ‌گویان امتیاز کمتر از ۹۸ و نیمی دیگر بیشتر از ۹۸ گرفته‌اند. نما برابر است با ۰/۹۷. بدین معنی که بیشتر پاسخ‌گویان دارای امتیاز ۹۷ هستند. شاخص‌های پراکندگی شامل واریانس برابر است با ۱۰۶/۵۳ و انحراف معیار ۱۰/۳۲ است.

طبق نتایج آمار توصیفی، ۵/۵ درصد پاسخ‌گویان نسبت به بعد ارزشی فرهنگ جهانی نگرش منفی داشتند. در حالی که

۲۸/۳ درصد نگرشی فعال و ۶۶/۲ درصد از نگرشی مثبت نسبت به این بعد برخوردار بودند. بنابراین، ۹۴/۵ درصد شهروندان نسبت به بعد ارزشی فرهنگ جهانی نگرشی متوسط به بالا داشتند که گویای این مطلب است که شهروندان تهرانی با مفاهیمی چون حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و... آشنا هستند و نسبت به آن‌ها نگرش مثبت دارند. در بعد مصرفی، ۶۶ درصد پاسخ‌گویان نگرشی منفی، ۳۰ درصد نگرشی فعال و ۴ درصد نگرشی مثبت نسبت به بعد مصرفی فرهنگ جهانی داشتند. در واقع، ۶۶ درصد شهروندان تهرانی نسبت به این بعد، نگرش منفی داشتند. میزان بالای نگرش منفی به این بعد (۶۶ درصد) گویای آن است که شهروندان تهرانی الگوهای مصرفی را نمی‌پذیرند و اعتقاد دارند که نباید الگوهای مصرفی جهانی را به کار بست.

در بعد هویتی، ۱۲/۶ درصد نگرش فعال و ۸۷/۴ درصد نگرش مثبت داشتند. بنابراین ۱۰۰ درصد شهروندان تهرانی نسبت به این بعد از نگرش متوسط به بالا برخوردار بودند. این بدان معناست که شهروندان تهرانی به جنبش‌های هویتی در قالب جنبش زنان، قومیتی و... اعتقاد دارند.

در بعد هویتی مجازی، ۳۲/۱ درصد پاسخ‌گویان نگرش منفی، ۳۴/۵ درصد نگرش فعال و ۳۳/۴ درصد نگرش مثبت داشتند؛ یعنی، ۶۷/۹ درصد شهروندان تهرانی نسبت به این بعد از نگرش متوسط به بالا برخوردار بودند و اعتقاد داشتند که فرهنگ آمریکایی از طریق رسانه‌ها در حال گسترش است.

در بعد هویتی دینی، ۴۲/۴ درصد پاسخ‌گویان نگرش منفی، ۵۱/۶ درصد نگرش فعال و ۶ درصد نگرش مثبت نسبت به بعد دینی فرهنگ جهانی داشتند. یعنی ۵۷/۷ درصد شهروندان تهرانی نسبت به این بعد از نگرش متوسط به بالا برخوردار بودند و اعتقاد داشتند که گروه‌های مذهبی نیز باید به تقویت و بازنمایی جایگاه خود بپردازند. طبق نتایج آمار توصیفی نگرش به فرهنگ جهانی، ۳/۸ درصد پاسخ‌گویان نگرش منفی، ۴۸/۶ درصد نگرش فعال

و ۴۷/۶ درصد نگرش مثبت به فرهنگ جهانی داشتند. در مجموع، ۷۶/۲ درصد شهروندان تهرانی نسبت به فرهنگ جهانی از نگرش متوسط به بالا برخوردار بودند و این رقم نشان می‌دهد که نگرش شهروندان تهرانی نسبت به فرهنگ جهانی روز به روز مثبت‌تر می‌شود.

فرضیه ۱. به نظر می‌رسد که بین نگرش شهروندان به ابعاد فرهنگ جهانی و میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد، تمام ابعاد نگرش نسبت به فرهنگ جهانی با آگاهی از حقوق شهروندی هم‌بستگی معناداری دارد. ضریب همبستگی کلی نگر شده با حقوق شهروندی ۰/۴۵، ضریب همبستگی بعد ارزش جهانی ۰/۴۹، ضریب همبستگی بعد هویتی ۰/۳۴، ضریب همبستگی بعد مجازی ۰/۲۶ و ضریب همبستگی دینی ۰/۷ است.

فرضیه ۲. به نظر می‌رسد که از حیث آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، بین گونه‌های مختلف نگرش به فرهنگ جهانی تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس جدول ۱، از حیث میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، بین گونه‌های مختلف نگرش نسبت به فرهنگ جهانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳. به نظر می‌رسد که نگرش نسبت به فرهنگ جهانی بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی تأثیر دارد.

این فرضیه از نوع علی است. لذا از رگرسیون چند متغیره برای آزمون تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته استفاده می‌شود.

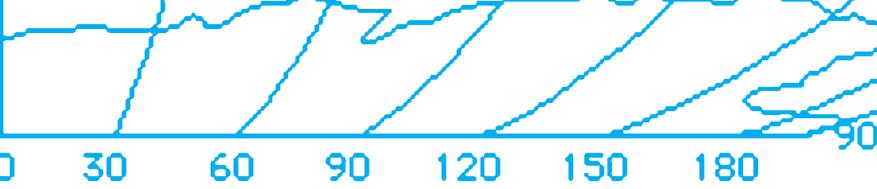
با استفاده از ضرایب استاندارد نشده، معادله خطی رگرسیون پیش‌بینی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$y = a + b_1 \cdot x_1 + b_2 \cdot x_2 + b_3 \cdot x_3 \dots$$

$$y = 67/529 + 0/581 \cdot x_1$$

$$(بعد هویتی) 0/378 +$$

مقدار ثابت با عرض از مبدأ برابر است با: ۶۷/۵۲۹. با توجه به ضرایب تأثیر



بخش‌سیده و بدین ترتیب، این نکته را که جهان به‌سوی نوعی یکپارچگی فرهنگی به پیش می‌رود، تأیید کرده است.

برخلاف نتایج میکو کوئیسما (۲۰۰۸) که نشان می‌دهند، جهانی شدن ارزش‌های شهروندی را به چالش می‌کشد، نتایج این تحقیق حاکی از آن است که نگرش مثبت به فرهنگ جهانی به افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌انجامد. همچنین، اعتقاد لیبر و ویزبرگ را تأیید نمی‌کند. به نظر آن‌ها، فرهنگ در شکل‌های متنوعش، ناقل اصلی جهانی شدن و ارزش‌های مدرن است و از طرف فرهنگ‌های توده‌ای و محلی واکنش‌هایی علیه جهانی شدن در سطح جهان وجود دارد.

براساس تحقیق سراج‌زاده و بابایی (۱۳۸۹)، دانشجویان دانشگاه بهشتی به ابعدی از فرهنگ جهانی - که به اقتصاد بازار و حقوق شهروندی مربوط می‌شود - گرایش بالایی دارند و در مقابل، به بعدی که شامل سبک زندگی به شیوه و سبک جهانی غربی است، گرایش پایینی دارند اما در این تحقیق معلوم شد، بین تمام ابعاد فرهنگ جهانی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌دار مثبت و مستقیمی وجود دارد.

به اعتقاد رابرتسون، جهان بودگی به‌معنای «آگاهی از مسائل جهان به‌عنوان یک مکان واحد» است. او اشاره دارد که فرهنگ جهانی در حال تکوین است و در این مورد فرهنگ را در جرگه «هنجارهای الزام‌آور» بر نمی‌شمارد بلکه آن را شامل نوعی «گفتمان عمومی» در گفت‌وگو با جهان به‌عنوان یک کل واحد می‌داند. (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۲۷۵-۸۱) همچنین، به زعم کاستلز، جهانی شدن و اطلاعاتی شدن که به دست شبکه‌های ثروت، فناوری و قدرت انجام می‌گیرند، جهان ما را دگرگون می‌سازند. این دو فرایند توان خلاقیت فرهنگی و توانایی ارتباطی ما را تقویت می‌کنند. در عین حال، آن‌ها حق انتخاب را از جوامع سلب می‌کنند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۰۱-۹۷) در این تحقیق نیز مشخص شد که نگرش نسبت به فرهنگ جهانی به‌عنوان نوعی گفتمان عمومی، بر آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر دارد و در

جدول ۱. نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون، فرضیه ۱

متغیر مستقل (نگرش به فرهنگ جهانی و ابعاد آن)							متغیر وابسته (حقوق شهروندی)
کل نگرش	مصرفی	ارزش جهانی	هویتی	مجازی	دینی		
۰/۴۵۴	۰/۱۶۱	۰/۴۹۳	۰/۳۴۱	۰/۲۶۳	۰/۱۷۷	هم‌بستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۵۸۰	۵۸۰	۵۸۰	۵۸۰	۵۸۰	۵۸۰	تعداد	

جدول ۲. آزمون آنالیز واریانس یکطرفه، فرضیه ۲

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	Df	میانگین مجزورات	F	Sig	تأیید یا رد فرضیه
بین گروه	۱۱۲۸۲/۰۵۶	۲	۵۶۴۱/۰۲۸	۶۴/۵۷۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
درون گروه	۵۰۴۰/۱۲۸۲	۵۷۷	۸۷/۳۵۱			فرضیه تحقیق تأیید می‌شود
کل	۶۱۶۸۳/۳۳۸	۵۷۹				

جدول شماره ۳. مدل رگرسیون پیش‌بینی شده و تفسیر

R	ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعدیل یافته	نتیجه
۰/۵۲۸	۰/۲۷۸	۰/۲۷۲	بدین معنی که پنج بعد فرهنگ جهانی به‌عنوان متغیر مستقل به میزان ۰/۲۷ توانایی تبیین متغیر وابسته را دارند و در حوزه علوم انسانی این میزان برای R ^۲ مطلوب است. به عبارت دیگر، ۷۳ درصد تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای دیگر صورت می‌گیرد.

با توجه به معادله فوق، بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل به ترتیب بر آگاهی از حقوق شهروندی عبارت‌اند از: بعد ارزش جهانی و بعد هویتی.

بحث و نتیجه‌گیری

بین آگاهی از حقوق شهروندی و گونه‌های مختلف نگرش نسبت به فرهنگ جهانی (منفی، مثبت و فعال) تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی کسانی که نگرش مثبتی نسبت به فرهنگ جهانی داشتند، دارای آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی بودند. همچنین، نتایج تحقیق حاکی از آن است که آگاهی از حقوق شهروندی با تمام ابعاد فرهنگ جهانی رابطه مثبت و مستقیم دارد. یافته‌های این تحقیق، نتایج تحقیقات مصطفوی را مبنی بر اینکه جهانی شدن ارتباط و تعامل انسان‌ها را با یکدیگر وسعت

متغیرهای فوق، به ازای یک واحد تغییر متغیر ارزش جهانی، به میزان ۰/۵۸۱، متغیر آگاهی از حقوق شهروندی افزایش پیدا می‌کند. همچنین، به ازای یک واحد تغییر در متغیر هویتی، به میزان ۰/۳۷، متغیر آگاهی از حقوق شهروندی افزایش می‌یابد. برای مقایسه میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل، از معادله رگرسیون خطی با ضرایب استاندارد شده استفاده می‌شود. برای پاسخ دادن به این سؤال که بین این سه متغیر مستقل بیشترین تأثیر مربوط به کدام متغیر است، از معادله رگرسیونی استاندارد شده استفاده می‌کنیم. فرمول ضریب رگرسیونی استاندارد شده به‌صورت زیر است.

$$Zy = B1. X1 + B2. x2 + B3. X3$$

$$Zy = ۰/۴۳۳ \text{ (بعد ارزش جهانی)}$$

$$+ ۰/۱۸۰ \text{ (بعد هویتی)}$$

به آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی‌شان بینجامد. پیشنهاد می‌شود، با توجه به افزایش آگاهی شهروندان از طریق نگرش به فرهنگ جهانی، قوانین حقوقی موجود در سازمان‌های مربوطه مطابق استانداردهای جهانی مورد بازنگری قرار گیرند.

۲. وزارت کشور باید در کنار توجه به آگاهی شهروندان از شاخص‌های جهانی حقوق شهروندی، نسبت به آگاه کردن شهروندان از قوانین حقوق شهروندی در داخل ایران از طریق مراکز آموزشی، صداوسیما و ... اقدام کند؛ چرا که بی‌اطلاعی از قوانین داخلی باعث می‌شود شهروندان احساس کنند در مواقع ضروری قوانینی برای احقاق حق آن‌ها وجود ندارد. در نتیجه این ناآگاهی، میزان مشارکت آن‌ها کاهش می‌یابد.

۳. مراکز آموزشی در سطوح گوناگون با هدف آشنایی شهروندان با حقوق قانونی، به برگزاری کارگاه‌های آموزشی بپردازند.

۴. صداوسیما می‌باید با تقویت برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی درباره حقوق شهروندی و زمینه‌های تحقق آن، برنامه‌هایی مؤثرتر تهیه کند.

هویت پدید می‌آورد و وجه غالب، بازسازی هویت خاص گرایانه است. (ادریسی، ۱۳۸۶) نگرش مثبت نسبت به بعد هویتی و ارزش‌های جهانی، نوعی هویت عام‌گرایانه برای شهروندان تهرانی پدید می‌آورد که امکان بروز آگاهی در سطح جهانی را موجب می‌شود. تحقیقات تجربی در ایران نیز تأیید می‌کنند که تشکیل هویت‌های ملی در ایران بیشتر عام‌گرایانه است. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰؛ محمدی، ۱۳۷۹)

شاید این ویژگی برخاسته از موقعیت راهبردی ایران در جهان است که از گذشته‌های دور بر سر راه جریان‌های فرهنگی مختلف بوده و با گذشت زمان در ایرانیان این توانایی را به وجود آورده است که با فرهنگ‌های دیگر هم‌زیستی داشته باشند و اگر لازم باشد، آن را به درون خود جذب کنند.

پیشنهادها

۱. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید واقعیت فرهنگ جهانی را بپذیرند و به تمامی ابعاد فرهنگ جهانی توجه داشته باشند. چرا که اساساً ابعاد آن به‌طور همه‌جانبه می‌تواند

عین حال، انتخاب جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه تحقیق حاضر نظریات گیدنز، رابرتسون و کاستلز را تأیید کرده است. هویت جهانی - که عده‌ای آن را هویت انسانی یا هویت فراملی نام نهاده‌اند - حاصل یک سلسله ارزش‌های عام انسانی است. در این هویت نیز اهداف مشترک انسانی و درک خود به‌عنوان عضوی از گروه انسانی وجود دارد. یکی از نتایج این تحقیق تأثیر بعد هویتی و ارزش‌های جهانی بر آگاهی از حقوق شهروندی است.

به زعم گیدنز (۱۳۷۸)، جهانی شدن موجب می‌شود زندگی، هویت و روابطمان با مردم دیگر، همه تغییر شکل دهند. ما مجبوریم به‌صورت بازتر، انعطاف‌پذیرتر و فردی‌تر زندگی کنیم. از سوی دیگر، جهانی شدن موجب می‌شود فرهنگ‌ها ضمن شناخت خود و تقویت خودآگاهی ملی، به هم‌زیستی فرهنگی و استفاده از میراث مثبت تحول فرهنگ جهانی روی آورند و براساس عقلانیت، به سوی آموزه‌های استحکام جهانی، آگاهی ملی جهت یابند. در مقابل، مانوئل کاستلز (۱۹۹۷) معتقد است که شرایط حاکم بر جهان، نوعی بحران

منابع

۱. آشوری، د. *دانش‌نامه سیاسی*. نشر مروارید. تهران. ۱۳۷۳.
 ۲. آلبرو، م. *عصر جهانی: جامعه‌شناسی پدیده جهانی شدن*. ترجمه نادر سالارزاده امیری. آزاداندیشان، تهران. ۱۳۸۰.
 ۳. ادریسی، الف؛ «عوامل مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به فرهنگ جهانی». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۸. ۱۳۸۶.
 ۴. ادریسی، الف؛ «جزوه درسی آمار پیشرفته با تکیه بر نرم‌افزار SPSS». دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد تهران شمال. ۱۳۸۶.
 ۵. تاملینسون، جان. *جهانی شدن و فرهنگ*. ترجمه محسن حکیمی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران. ۱۳۸۱.
 ۶. رابرتسون، رونالد؛ *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*. ترجمه کمال پولادی. نشر ثالث. تهران. ۱۳۸۵.
 ۷. رابرتسون، رونالد؛ «جهان محلی شدن، زمان مکان و همگونی ناهمگونی». ترجمه مراد فرهادپور. فصلنامه ارغنون. شماره ۲۴. ۱۳۸۳.
 ۸. کاستلز، مانوئل. *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. ترجمه احمد عقیلیان و دیگران. طرح نو. تهران. ۱۳۸۰.
 ۹. گیدنز، الف. *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. نشر نی. تهران. ۱۳۷۸.
 ۱۰. محمدی، ح. «هویت فرهنگی و مدرنیسم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۷۹.
 ۱۱. هینس، جف. *دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم*. ترجمه
- داود کیانی. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ اول. تهران. ۱۳۸۱.
۱۲. گل‌محمدی، الف. *جهانی شدن فرهنگ و هویت*. نشر نی. تهران. ۱۳۸۳.
۱۳. لطف‌آبادی، ح. *وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران*. انتشارات سازمان ملی جوانان. تهران. ۱۳۸۰.
۱۴. عاملی، س. ر. «تعامل جهانی شدن، شهروندی، و دین». *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۸. پاییز و زمستان. ۱۳۸۰.
۱۵. صادقی، ع؛ «تحلیل میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن». *کارشناسی ارشد*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. ۱۳۸۷.
۱۶. سراج‌زاده، ح و بابایی، م «جهانی شدن، فرهنگ جهانی و کج‌روی فرهنگی». *فصلنامه علوم اجتماعی*. پاییز. ۱۳۸۹.
17. Liber, j. R&W eisberg. E. R(2002). globalization, culture and Identities, in crisis Internatinal jornal of politics, culture and so-ciety, vol, 16(2) Enquiry, London, Routledge.
18. Janoski. thomas (1998). citizenship and civil socity. cam-bridge university press 1998.5.
19. Mikkokuismaa Citizenship Studies, Rights or privileges? The challenge of globalization to the values of citizenship 1469-3593, Volume 12, Issue 6, 2008, Pages 613-627.
20. Patrick M Jenlink - Globalization and the Evolution of Dem-ocratic Civil Society: Democracy as Spatial Discourse World Futures: Journal of General Evolution, 1556-1844, Volume 63, Issue 5, 2007, Pages 386-407.